

درباره تیم ده نفره‌ای که به تولید محتوا و نشر در فضای مجازی مشغول‌اند

راویان حماسه محله بلال

۳



که در کانال‌های ۹ مسجد فعال محله بلال، باز نشر داده می‌شود. برخی از این محتواها به دلیل سطح بالای حرفه‌ایگری در فرایند تولید، در کانال‌های اسم و رسم دار با چند صد هزار عضو هم منتشر شده‌اند. «حسن پور این‌ها را می‌گوید و کوتاه می‌گذرد از کنار همه وعده و وعیدهایی که برای حمایت سخت‌افزاری از کارگروه، از سوی برخی ارگان‌ها داده شد و در حد حرف، باقی ماند. همچنان مردم، حامیان اصلی خادمانشان در کارگروه رسانه محله بلال هستند.

● به عشق وطن

دنیا برای اسمان نظام دوست، خبرنگار کارگروه رسانه محله بلال، خلاصه شده است در دویدن‌هایی که زندگی را برایش تندتر از همیشه کرده است. او که دانشجوی رشته علوم تربیتی است، می‌گوید این سبک از زندگی، به ویژه در روزهای پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم را با اعتقاد، انتخاب کرده است: «بلافاصله بعد از اتمام کلاس‌های مجازی دانشگاه، می‌روم تجمع شبانه و گرفتن مصاحبه‌های مکتوب و تصویری را شروع می‌کنم. مسئولیت یکی از غرفه‌ها در حاشیه تجمع رسالت ۵۵ هم با من است. شب که برمی‌گردم خانه، خستگی برایم مانده است و فردا، باز درس است و هماهنگی برای کارهای اجتماع شب. باید‌های زندگی روزمره، کلاس‌های دانشگاه، شروع اجتماع، گرفتن مصاحبه و عکس و...» نفس راست می‌کند و با مرور تجربه یک و نیم ساله‌اش در وادی خبر، ادامه می‌دهد: این دویدن‌ها از سر عشق به وطن است. خودم را مسئول می‌دانم در قبال خون رهبر شهید و هم وطنان مظلوم. به شعارهایی فکر می‌کنم که همیشه می‌دادم و می‌گفتم راه شهدا را ادامه می‌دهم. کاش قدم‌های کوچکم مؤثر باشد.

بودم. با این حال دست تنها بودم و باید همکارانی آموزش دیده و کاربلد را از بین جوانان و نو جوانان محله، انتخاب می‌کردم. فراخوان دادم در کانال‌های محلی و حدود چهل نفر داوطلب شدند. با بررسی رزومه‌ها و سوابقشان، به گروهی ده نفره رسیدیم و کار را کلید زدیم. حدود ۵۰ روز پیش.

● پست‌های تیر باز دید

از هفده ساله تا بیست و دو ساله؛ سن و سال اعضای کارگروه، از این قرار است. مدیر کارگروه رسانه محله بلال از چارتی می‌گوید که برای نظم در کارها، تهیه کرده و اعضا را در زیرشاخه‌های خبرنگار، فرهنگی رسانه، محتوای رسانه، تولید رسانه و پشتیبانی، تقسیم کرده است. محل اصلی خدمت در محله، اجتماع‌هایی است که در میدان امام حسین (ع) و نیز رسالت ۵۵ شکل می‌گیرد.

نتیجه کار گروهی اعضا شده است تولیداتی از دل اجتماعات محله



فرزانه شهامت، میان‌مردمانی که بیش از دوماه است به سنگربانی در خیابان‌ها مشغول‌اند و با آمدن نشان به میدان، برای دشمن قداره‌کش، خط و نشان می‌کشند. باید کسانی باشند برای ثبت این حضور در حافظه تاریخ؛ راویانی که از نخستین شب‌های خلق حماسه مردم، با اعتقاد به این وادی قدم گذاشته‌اند. ابزارشان قلم است و دوربین و باهنرمندی، به تولید محتوا و نشر آن در فضای مجازی مشغول‌اند. کارگروه رسانه محله بلال، در زمره سربازان بی‌نام و نشانی هستند که بدون چشمداشت مادی، به تاریخ‌نگاری خیزش مردم می‌پردازند.

● تولد یک کارگروه

تنها چند روز پس از آغاز جنگ تحمیلی سوم، جلسه‌ای مهم در شورای اجتماعی محله بلال برگزار شد. خروجی‌اش، بسیج امکانات محله و شکل‌گیری آرایشی متناسب با شرایط جنگی بود. بنام کارگروه‌هایی برای این منظور تشکیل شود که یکی از مهم‌ترین‌ها، کارگروه رسانه بود. کار، تنها از جوانانی برمی‌آمد که زبان دنیای رسانه را می‌دانند و در خواب فضای مجازی را بلدند.

«من، یاسر حسن پور، دانشجوی مهندسی عمران و نماینده جوانان در شورای اجتماعی محله بلال، مسئولیت را پذیرفتم و شدم مسئول کارگروه رسانه محله. «یاسر از تنگ بودن وقت می‌گوید و گزینشی که باید روی انتخاب اعضای کارگروه، به دقت صورت می‌گرفت. وادی رسانه، چیزی نبود که بشود بی‌گدار به آب زد و هر ناشناسی را برای حضور در آن دعوت کرد؛ حسن زاده می‌گوید: «دوره‌های مختلف کار در فضای مجازی و سواد رسانه را قبلاً گذرانده

شهروند محله شهید قربانی با نیسانش در خدمت جبهه انقلاب است

سپر دفاعی محله

۴



هم دست به خیر هستید.

چطور؟

بدانم صاحب بار، نیازمند واقعی است، راه

می‌آیم و دستمزد کمتری می‌گیرم. نمونه‌اش

بنده خدایی به من معرفی شد که می‌خواست

جهیزیه دخترش را جابه‌جا کند. خانمی بود سرپرست

خانوار، کرایه مسیر ۷۰ هزار تومان بود اما من فقط ۴۰ هزار تومان

گرفتم. خیلی خوشحال شد و از ته قلب دعا می‌کرد. خدا برکتش را

می‌دهد.

تبدیل گواهی‌نامه‌تان از پایه یک به پایه سه،

یعنی فرصت خدمت به مردم و انقلاب، برایتان کمتر شده

است؟

به نظر من، خودم و ماشینم در خدمت اجتماع شبانه محله هستیم

و افتخار می‌کنم اگر بتوانم قدمی بردارم.

● چه کار می‌کنید آنجا؟

از طریق هیئت انصارالمهدی (عج) که اعضایش مثل خودم از اهالی مجتمع‌های مسکونی ابرار هستند، فهمیدم همسایه‌ها برای تجمع شبانه می‌روند میدان فجر یا چهارراه برق. مسیر دوری بود خدایی. دست به دست هم دادیم تا اجتماع مردمی نزدیک مجتمع‌ها در پنجتن ۳، ۵۰ پا بگیرد. جمعیت از ۱۵ نفر شروع شد و الان رسیده است به ۴۰ نفر.

● نقش نیسان آبی شما در شکل‌گیری این اجتماع چه بود؟

تامدتی که سن و داربستی در کار نبود، باند بلندگوها و جایگاه سخنران روی نیسان من بود. حالا هم هر شب که مراسم تمام می‌شود، وسایل را می‌ریزند عقب نیسان و می‌برم تا انبار برای شب‌های بعد.

● با این حساب، شب‌ها فرصت باربری را ندارید.

بله از حدود ۷:۳۰ تا ۱۱:۳۰ شب که برمی‌گردیم خانه، درگیر هستیم. اعتقاد دارم به کاری که انجام می‌دهم و خدا هم درست می‌کند.

● با چه انگیزه‌ای به این مسیر ادامه می‌دهید؟

اول این را بگویم که کار من در برابر نظامی‌هایی که با غسل شهادت می‌روند پای لانچر، هیچ است. من فقط تلاش می‌کنم چون می‌دانم این اجتماع‌ها برای دشمن مثل موشک دردآور است. دوست ندارم اجنبی‌ها وارد کشورمان بشوند. می‌خواهم برای خودمان مستقل باشیم.

مرد جاده را چه به یک جانشستن؟! محمد صبوری نژاد را شاید بشود لایه‌لایه راندگی‌هایش، چند دقیقه‌ای خالی و خلوت پیدا کرد. او ۲۲ سال از عمر پنجاه ساله‌اش را در راهی گذرانیده است که سوای نان‌آوری برای خانواده‌ای پنج نفره، رنگ و بوی خدمت به خلق خدا را دارد.

جابه‌جایی ارزاق عمومی با کامیون میان بنادر و شهرهای مختلف کشور، وظیفه‌ای است که او حاضر نشد حتی در بحبوحه جنگ دوازده روزه و احتمال حمله دشمن به بنادر و محموله کالاهای اساسی نیز آن را ترک کند.

شهروند محله شهید قربانی که به تازگی به دلیل از کار افتادگی، ناچار به راندگی با خودرو نیسان شده است، همچنان از خودرو و هنر راندگی‌اش برای خدمت به جبهه انقلاب، استفاده می‌کند.

● بیمه از کار افتادگی می‌گیرید؟

نه متأسفانه. تأمین اجتماعی می‌گوید باید سنم به شصت سالگی برسد.

● امورات خانواده چطور می‌گذرد؟

شغل من فقط راندگی است. حالا که نمی‌شود بروم جاده، با همین نیسان آبی، خرج خودم و وزن و بچه‌ها را جور می‌کنم.

● اهالی محله می‌گویند در این شرایط اقتصادی، باز